

# حکایت‌ها

## مقام رضا

یکی از زهاد را بیماری عارض شد. شخصی به عیادت او رفت و او را شادمان دید و زبانش را به شکر و ثنا متذکر یافت.  
گفت: می خواهی که خدای تعالی تو را شفا دهد؟  
گفت: نه.

گفت: می خواهی به وضع بیماری بمانی؟  
گفت: نه.

گفت: پس چه می خواهی؟  
گفت: آن را می خواهم که خدا می خواهد.

